عدم تعرض کتب متاخر به صوم یوم الشک در فرض امارہ غیرمعتبرہ بر ہلال

5:13

نکتهای که الآن میخواهم عرض کنم این است: یک اختلافی است که در کتابهای قدیمی مطرح بوده؛ برخی اینطور بودند و برخی دیگر آنطور؛ محقق در شرایع تردید انداختهاند ولی گویا در کتب متأخر فقهی از بین رفته است و دیگر بازتابی ندارد. ببینید در صفحه ۲۰۸ جواهر ایشان مفصل بحث میکنند؛ اگر بگوید «ان کان من رمضان»، تردید میاندازد. اگر بگوید حتماً شعبان را روزه می گیرم...، اگر بگوید «أنوی الوجوب و أصوم شهر رمضان»... . همه این را فرمودهاند و به تفصیل بحث کردهاند.

ایشان به صفحه ۳۷۹ میآیند و میرسند به جایی از شرائع که حاشیه مسالک در آن جا بود. در آن جایی که صاحب جواهر میگویند ما به تفصیل بحث کردهایم، شهید ثانی بحثی نمیکنند. از آن رد میشوند. آن چه که ما از عبارت ایشان خواندیم برای همین صفحه ۳۷۹ است. ذیل این عبارت شرایع بود:

> **ويستحب: صوم الثلاثين من شعبان بنية الندب، فإن انكشف من الشهر أجزأ. ولو صامه بنية رمضان لأمارة، قيل: يجزيه، وقيل: لا، وهو الأشبه**[1]

«یستحب صوم ثلاثین من شعبان»؛ روز سیام؛ تعبیری شک هم ندارند. **«بنیة الندب»؛** مطلقاً مستحب است. هوا صاف باشد، غیم باشد، شک و شبهه باشد یا نباشد. **«و لو صامه بنیة رمضان»**؛ قبلاً گفته بودند که اگر به نیت وجوب بگیرد،لایقع عن احدهما؛ نه ماه شعبان را روزه گرفته و نه ماه رمضان را. اصلاً روزه او باطل است. اما محقق در اینجا فرع دیگری را مطرح می کنند. عرض من این است که مطلب آن جا با مطلب اینجا دو اختلاف فقهی است. هم نسبت به ادله اش و هم نسبت به نگاهی که اختلافکنندگان داشتند. اما در این فرع دوم در کتابهای متأخر کم رنگ شده است. ولی در فضای بحثهایی که در جلسات قبلی داشتیم بر این نگاه، آثاری بار می شود. لذا من الآن میخواهم دوباره آن را پر رنگ کنم.

«ویستحب: صوم الثلاثین من شعبان بنیة الندب. ولو صامه بنیة رمضان»؛ خب در اینجا کافی بود که بگویند که مشهور میگوید لایجزی. همینی که الآن ما مسأله جواب میدهیم. اگر به نیت رمضان روزه بگیرید، جمع رواایات میگوید که مجزی نیست. ولو شیخ در خلاف فرمودند مجزی است. اما محقق در اینجا یک کلمه اضافه میکنند. «ولو صامه بنیة رمضان لأمارة، قیل:

يجزيه، وقيل: لا، وهو الأشبه»؛ یعنی اصلاً ما در اینجا یک فرض دیگری داریم؛ یوم الشک و ثالثین شعبان است، به نیت ماه مبارک روزه میگیرد اما به صرف اینکه یوم الشک است و هوا ابری است، نیت ماه مبارک نمیکند. یک زن و یک عدل واحد شهادت داده است. یعنی امارہ غیرمعتبره است؛ اگر معتبره بود که محقق اول بلاریب قبول داشتند. اما همین ثالثین شعبان را میگوید: «ولو صامه بنیة رمضان»؛ یعنی نیت ماه مبارک کرد، اما «لأمارة»؛ این امارہ قطعاً غیرمعتبره است. چون عرض کردم اگر معتبره بود که ایشان مشکلی ندارند. «قيل: يجزيه، وقيل: لا، وهو الأشبه»؛ اگر لأمارة ماه مبارک را نیت کرد، «قیل یجزیه».

اما صاحب جواهر میگویند: «كما تقدم الكلام في ذلك كله مفصلا»؛ یعنی قبول نیست. عرض من اگر سر برسد این است که آن چه که محقق در اینجا میگویند «لأمارة» است، اما در «كما تقدم الكلام في ذلك كله مفصلا»، اصلاً صحبتی از «امارة» نشد. این در کتب قبلی فقهی دو فرع بوده. اینکه شما نیت صوم شعبان ای رمضان بکنید، یک فرع است و احکام خودش را دارد. اما اینکه «لامارة» نیت بکنید، این هم یک فرع است. پس اینها دو اختلاف است که در کتابها فرق میکنند. اما اینکه چرا این را عرض میکنم، در ادامه عرضم میگویم.

---

[1] شرائع الاسلام- ط استقلال ج۱ ص۱۴۸

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 12:58:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 12:59:49 توسط ... .